

آینده شهرها و توسعه شهری

هدنایلیس ، جامعه انبوه آگاهی ، اکیومناپلیس

۱- افزایش جمعیت شهری

شهرنشینی و توسعه شهری به وسعت امروزی ، پدیده تازه‌ای است که همه قاره‌های سیاره زمین را تحت تسلط خود گرفته است . حدس می‌زنند که در سال ۱۸۰۰ ، کمتر از ۰/۳ مردم جهان در شهرها زندگی می‌کردند . این نسبت در سال ۱۹۲۰ به ۰/۱۴ رسید و در سال ۱۹۵۰ تا ۰/۲۵ افزایش یافت . درجه بالای شهرنشینی در این دوره‌ها ، به توسعه صنعتی در کشورهای توسعه یافته وابسته بود و در این سال‌ها ، شهرهای بزرگ به عنوان کانون اصلی صنایع ، فعالیت‌های تجاری و فرهنگی شناخته می‌شدند . برابر بررسی‌های سازمان ملل ، هم‌اکنون جمعیت شهرنشین دنیا ، سالانه ۰/۳ افزایش می‌یابد . این نسبت در کشورهای توسعه یافته و صنعتی ، سالانه ۰/۱/۷ می‌باشد ، در حالی که افزایش سالانه جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه از ۰/۴ نیز تجاوز می‌کند . چنین می‌نماید که جمعیت شهرنشین دنیا ، از

سال ۱۹۵۰ به بعد، دو برابر گشته است. پیش بینی می شود که قبل از پایان قرن بیستم، جمعیت شهری باردیگر دو برابر گردد، بدین سان که ۱۶ سال بعد، ۰/۵۰ جمعیت دنیا ساکن شهرها خواهند بود. برابر گزارشات بانك جهانی، در سال ۱۹۸۰، در حدود ۰/۳۳ جمعیت کشورهای در حال توسعه، ۹۹۵ میلیون نفر، در شهرها زندگی می کردند این نسبت در سال ۲۰۰۰، به ۰/۴۴ افزایش می یابد. روشن است که این افزایش شتاب آلود جمعیت شهری، تخریب شدید کیفیت زندگی را به دنبال خواهد داشت. در سال های آینده، شاید همه شهرهای پر جمعیت و پایتخت های کشورهای جهان سوم در ردیف شهرهای انگلی طبقه بندی شوند چرا که این قبیل شهرها، همه نواحی جغرافیایی، شهرها، شهرهای متوسط، شهرکها و روستاها را، حتی از توسعه آرام نیز باز می دارند و توسعه نیافتگی را بر همه نواحی کشوری تحمیل می کنند. از طرفی نخستین شهرهای ممالک جهان سوم نیز به دو بخش کاملاً مجزا، با دوگانگی اقتصادی تقسیم می شوند: شهر معمولی با اقتصاد شهری و شهر فقرا و بیکاران با اقتصاد فقر^۳.

در سراسر جهان، به سال ۱۹۵۰، تنها ۶ شهر بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت داشتند و مجموع جمعیت آنها از ۴۴ میلیون نفر تجاوز نمی کرد. این میزان در سال ۱۹۸۰ به ۲۵ شهر با بیش از ۲۵۰ میلیون نفر رسید. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۰۰، ۶۰ شهر بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت و مجموع جمعیت این شهرها از ۶۵۰ میلیون نفر تجاوز خواهد کرد. تأسف انگیز است گفته شود که از این میزان، ۴۵ شهر در کشورهای در حال توسعه در ردیف شهرهای ۵ میلیونی قرار می گیرد و قاره آسیا، این کهن ترین کانون تمدن بشری، بیشترین شهرهای بیش از ۵ میلیون نفری را به خود اختصاص می دهد. در قاره آسیا، اردوگاه های بزرگ بی خانمانان و خانه به دوشان، چهره های فقر آلود شهرهای بزرگ را به نمایش

می گذارند.^۴

با توجه به آنچه که گفته شد پیش بینی می شود که در دهه آینده ، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر به نیروی کار کشورهای در حال توسعه افزوده می شود. روشن است که بیشتر این توده های انبوه انسانی ، جهت کار یابی به شهرها بویژه به شهرهای بزرگ جهان سوم سرازیر می شوند . در حالی که هم اکنون نیز ، بیکاری مزمن ، کارهای نیمه وقت و فصلی ، منشاء بسیاری از مسایل شهرهای بزرگ جهان سوم می باشد . بدین سان ، در سال های پایانی این قرن ، رژه میلیون ها بیکار در خیابان های شهرهای بزرگ جهان سوم ، تیره روزی های تازه ای در پیش روی مردم شهرها قرار می دهد . با قبول این افزایش شدید نیروی انسانی و هجوم آنها به شهرهای بزرگ جهان سوم ، از هم اکنون می توان وضع محیط زیست شهرهای کشورهای در حال توسعه را بدین شرح خلاصه کرد: آلودگی بیکاری، آلودگی فقر، آلودگی بیماری، آلودگی تراکم جمعیت، آلودگی جرم و جنایت ، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، کمبود واحدهای مسکونی ، آلودگی زاغه ای و آلودگی زباله. در این زمینه نگاهی گذرا به کشور مکزیک به عنوان نمونه ، ما را با حقایق بیشتری از شهرهای جهان سوم آشنا می سازد :

- کل جمعیت مکزیک در سال ۱۹۸۱ ، در حدود ۶۹ میلیون نفر
- کل جمعیت مکزیک در سال ۲۰۰۰ ، در حدود ۱۰۲ میلیون نفر
- جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۰/۴۲
- جمعیت در حوزه های شهری ۰/۶۷
- دو برابر شدن جمعیت شهری در ۱۶ سال .
- در دهه گذشته ، جمعیت شهر مکزیکوسیتی ، تقریباً دو برابر گشت و در سال ۱۹۸۰ ، جمعیت آن به ۱۴ میلیون نفر رسید. حدس می زنند که در سال ۲۰۰۰ ،

۱۶ سال بعد، جمعیت شهر به ۳۱ میلیون نفر بالغ گردد. در حالی که مکزیکوسیتی، هم اکنون با ۱۵ میلیون نفر جمعیت، زیر فشارهای ناشی از مهاجرت‌ها، زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، کمبود آب و فاضلاب و نارسایی حمل و نقل عمومی، آلودگی شدید هوا، روزهای تاریکی را می‌گذرانند. طرح‌هایی در دست تهیه است تا با انتقال صنایع و اجرای سیاست عدم تمرکز، جمعیت شهر در سال ۲۰۰۰، از مرز ۲۵ میلیون نفر تجاوز نکند!!^۵ یادآور می‌شویم که در سال ۱۸۰۰، کل جمعیت شهرنشین دنیا در حدود ۲۷ میلیون نفر بوده است.

افزایش جمعیت شهرهای بزرگ در سال‌های آینده*

درجه	سال ۱۹۹۰	جمعیت (مليون نفر)	سال ۲۰۰۰	جمعیت (مليون نفر)
۱-	توکیو - یوکوهاما	۲۳/۴	مکزیکوسیتی	۳۱
۲-	مکزیکوسیتی	۲۲/۹	سائوپولو	۲۵/۸
۳-	نیویورک (شمال شرق نیوجرسی)	۲۱/۸	توکیو - یوکوهاما	۲۴/۲
۴-	سائوپولو	۱۹/۹	نیویورک (شمال شرق نیوجرسی)	۲۲/۸
۵-	شانگهای	۱۷/۷	شانگهای	۲۲/۷
۶-	پکن	۱۵/۳	پکن	۱۹/۹
۷-	ریودوژانیرو	۱۴/۷	ریودوژانیرو	۱۹
۸-	لوس آنجلس	۱۳/۳	بمبئی بزرگ	۱۷/۱
۹-	بمبئی بزرگ	۱۲	کلکته	۱۶/۷
۱۰-	کلکته	۱۱/۹	جاکارتا	۱۶/۶
۱۱-	سئول	۱۱/۸	سئول	۱۴/۲
۱۲-	بوئنوس آیرس	۱۱/۴	لوس آنجلس - لانگ بیچ	۱۴/۲
۱۳-	جاکارتا	۱۱/۴	قاهره - جیزه	۱۳/۱
۱۴-	پاریس	۱۰/۹	مدرس	۱۲/۹
۱۵-	اوزکا - کوب	۱۰/۷	مانیل	۱۲/۳
۱۶-	قاهره - جیزه	۱۰	بوئنوس آیرس	۱۲/۱

بقیه جدول

درجه	سال ۱۹۹۰	جمعیت (میلیون نفر)	سال ۲۰۰۰	جمعیت (میلیون نفر)
۱۷-	لندن	۱۰	بانکوک - تونبورى	۱۱/۹
۱۸-	راین - رور	۹/۳	کراچی	۱۱/۸
۱۹-	بوگوتا	۸/۹	دهلی	۱۱/۷
۲۰-	شیکاگو	۸/۹	بوگوتا	۱۱/۷
۲۱-	مدرس	۸/۸	پاریس	۱۱/۳
۲۲-	مانیل	۸/۶	تهران	۱۱/۳
۲۳-	مسکو	۸/۵	استانبول	۱۱/۲
۲۴-	تهران	۸/۳	بغداد	۱۱/۱
۲۵-	استانبول	۸/۳	اوزکا - کوب	۱۱/۱
۲۶-	بغداد	۸/۲	لندن	۹/۹
۲۷-	دهلی	۸/۱	داکا	۹/۷
۲۸-	کراچی	۷/۹	شیکاگو	۹/۴
۲۹-	بانکوک	۷/۵	راین - رور	۹/۲
۳۰-	میلان	۷/۴	مسکو	۹/۱

اگر به جدول افزایش جمعیت شهرهای بزرگ در سال‌های آینده دقت کنیم ملاحظه می‌شود که در سال ۱۹۹۰، از ۳۰ شهر پرجمعیت دنیا، ۱۹ شهر و در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۲۰ شهر بزرگ در جهان سوم خواهد بود. از طرفی، برابر جدول، شهر مسکو، میان سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، درآمد ده سال سالانه به‌طور متوسط ۶۰/۰۰۰ نفر به جمعیت خود اضافه می‌کند. این افزایش بطنی جمعیت شهر مسکو، در گذشته، حال و آینده تا حدودی شگفت‌انگیز می‌نماید. جهت دریافت پاسخ لازم، به تحقیقات جودیت پلت^۲ استاد جغرافیا در دانشگاه آکسفورد و دنیس شا^۱ استاد جغرافیا در دانشگاه بیرمنگام مراجعه کردیم. این جغرافی‌دانان، در تحقیقات خویش، عوامل سه‌گانه زیر را در کنترل توسعه شهرهای بزرگ شوروی مؤثر می‌دانند^۳:

۱- اجرای سیستم پاسپورت داخلی که مهاجرت روستاییان را به دو شهر بزرگ شوروی، مسکو و لنین‌گراد، تحت کنترل قرار می‌دهد. بدینسان که در شوروی از سال ۱۹۳۲ به بعد، سیستم پاسپورت داخلی عملی شده است و با کنترل مهاجرت‌ها، اقامت اختیاری در شهرهای بزرگ از مهاجرین سلب می‌شود و برای دانشجویان و افرادی که نمی‌خواهند به‌طور دائمی در شهرهای بزرگ اقامت کنند پاسپورت موقتی صادر می‌گردد.

۲- تأسیس و توسعه صنایع در مالکیت دولتی است. در نتیجه دولت شوروی، از سال ۱۹۳۱، طی فرمانی، ایجاد صنایع جدید را به بیرون از شهرهای مسکو و لنین‌گراد کشانده است. در سال ۱۹۵۶، در حدود ۴۸ شهر دیگر نیز مشمول این فرمان‌گشت و حق ایجاد تأسیسات جدید صنعتی و یا توسعه صنایع قدیمی در داخل این شهرها ممنوع شد.

۳- استفاده از زمین‌های شهری تحت نظارت خاصی در آمده است و در شهرها، تأکید روی زمین‌های شهری، بیشتر مربوط به سکونتگاه‌های انسانی است. از اینرو، هرگونه نیاز به زمین با تشریفات خاصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با وجود این، باز هم در گذشته، جمعیت شهر مسکو از معیارهای تعیین شده، در طول يك دهه، تا حدود يك ملیون نفر بیشتر بوده است.

هدنا پلیس^{۱۱} (عشرت آباد)

می دانیم که در همه کشورهای، بخش مرکزی شهرها، بیانگر خصیصه های اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی ملت ها می باشد. از اینرو، در همه کشورهای، بخش مرکزی شهرها، شخصیت، اعتبار و نماد فرهنگ ملی را می رساند. بی جهت نیست که مانهاتان نیویورک، شانزله لیزه پاریس و میدان سرخ مسکو به عنوان نماد ملی این کشورها، در همه پوسترهای تجارتي، فرهنگی و تبلیغاتی ظاهر می شود. در اغلب موارد، بخش مرکزی شهرها، دارای نقش های گوناگونی است که از آن جمله است نقش تجاری، اداری، دولتی، مالی، صنعتی، فرهنگی، پذیرایی، توریستی، عتیقه فروشی، عمده فروشی و خرده فروشی. در بخش مرکزی شهرها، همه این فعالیت ها دروسعت محدودی متمرکز می شود و همه اینها، روزانه جماعات کثیری را به محدوده مرکزی شهرها می کشانند. متأسفانه، در دو دهه اخیر، کاهش اعتبار و حتی ویرانی فیزیکی و تجاری مؤسسات اجتماعی، این میراث ملت ها، به سرعت فراهم شده است. این جریان در سال های آینده نیز ادامه خواهد داشت. صنایع و ترافیک پرتراکم، محیط بخش مرکزی شهرها را آلوده می کند، بیمارستان ها و درمانگاه های این بخش، دیگر مثل سابق، قادر به درمان بیماران خود نیستند، مؤسسات تحقیقاتی، کتابخانه ها و مدارس نیز از شلوغی و آلودگی های محیطی رنج می برند. پوسترها، آگهی های تبلیغاتی و چراغ های نئون نیز این نماد تاریخی ملت ها را به آلودگی می کشانند^{۱۲}. با مختصر توضیحی که درباره بخش مرکزی شهرها داده شد، بهتر است آینده این بخش را در آمریکا، کانون عظیم ترین سرمایه ها، شرکت ها و تجارتخانه ها، مطالعه کنیم. در این مطالعه، بیش از همه، از تحقیقات جان سامر^{۱۳}، محقق آمریکایی بهره گرفته ایم.

جان سامر می گوید : زمانی می توان آینده را دید که بتوان زمان حال را بهتر شناخت. به سخن ساده ، آنچه در زمان حال می گذرد بذر و ریشه آینده است. آینده نگری باید بر اساس تحلیل شرایط حال صورت بگیرد . جان سامر ، میان همه پیش بینی ها در زمینه آینده شهرهای آمریکایی ، به نقش لذت جویی مرکز شهرهای بزرگ تأکید بسیار دارد . او می گوید در یکی دو دهه آینده ، جامعه آمریکا ، به لذت جویی بیش از کار تمایل نشان خواهد داد و بخش مرکزی شهرهای بزرگ و شاید شهرهای متوسط آمریکا نیز ، کانون های اصلی ارضای نفس را تشکیل خواهند داد . سامر اضافه می کند که در آینده ، شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه آمریکا ، زمینه های مساعدی جهت ارضای نفس فراهم می آورد ، بدان سان که در زیر می آید^{۱۴} :

- ۱- توسعه تکنولوژی امکان می دهد که جامعه شهری آمریکا ، با ساعات کار کمتر ، بیش از گذشته ، از ساعات فراغت خود استفاده کند .
 - ۲- جریان پیام های الکترونیکی به جای جریان مواد و کالاها ، تغییراتی در سازمان دهی شهری به وجود می آورد و ساعات بیشتری را آزاد می کند .
 - ۳- هم اکنون ، بیشتر مردم شهرنشین آمریکا ، ساعات و نیروی کار اضافی خود را در شغل دوم و یا در مسایل مربوط به آسایش خانواده خویش صرف می کنند. البته امروزه نیز ، عده ای از مردم شهری ، وقت آزاد خود را در انواع تفریحات و سرگرمی ها سپری می کنند . روشن است که ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه آمریکا با تغییر ارزش ها و تمایل به لذت جویی سازگار می باشد .
 - ۴- از نظر روانی ، در جامعه شهری آمریکا ، روز به روز تمایل به پناه بردن به جهان رؤیاها ، سفر به انتهای وجود و یا در لاک خود فرورفتن شدت می یابد . در این جریان گریز از دنیای واقعی و پناه بردن به دنیای رویاها ، دو عامل بیش از سایر عوامل مؤثر بوده است :
- الف - افزایش بی سابقه تجاوز ، تهاجم ، پرخاشگری ، جرم و جنایت در

جامعه شهری آمریکا .

ب - نقش تلویزیون و برنامه‌های آن .

۵- در ۲۵ سال گذشته ، جامعه آمریکا از يك جامعه صنعتی به يك جامعه خدماتی تبدیل شده است. بدین سان که بعد از جنگ جهانی دوم، در اقتصاد آمریکا، بخش خدمات، میان بخش‌های کشاورزی و صنعتی، رشد شتاب‌آلودی داشته است. یادآور می‌شود که علاوه از آمریکا، پاره‌ای از کشورها نیز به این دوره وارد شده‌اند که کانادا ، انگلستان ، سوئد و بلژیک از آن جمله است . در این جریان ، بخش اعظم شاغلین در بخش خدمات و آن هم در مرکز شهرهای بزرگ به کار گرفته شده‌اند .

۶- در سال‌های آینده ، افزایش جمعیت شهرنشین (شهرها ، شهرک‌ها و حومه‌ها) تا ۰/۰۹۰ کل جمعیت آمریکا ، خود عاملی است که نقش لذت‌جویی را در شهرهای بزرگ رونق می‌بخشد .

۷- در جامعه شهری آمریکا، سرمایه‌گذاری در امر تفریحات، سرگرمی‌ها ، گذران اوقات فراغت و لذت‌جویی نظیر انواع ورزش‌ها ، مراکز تفریحی و استراحتگاهی ، تئاترها ، داروهای مخدر، پورنوگرافی، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. نظری به روزنامه نیویورک تایمز یکشنبه‌ها ، این گفته را به خوبی روشن می‌سازد. جان سامر به این قبیل شهرها ، عنوان هدناپلیس (عشرت‌آباد) می‌دهد . در حقیقت ، هدناپلیس شهری است که در آن سرمایه‌گذاری‌های کلان در ارضای نفس ، لذت‌جویی و خدمات شخصی صورت می‌گیرد . در همان حال ، سرمایه‌گذاری در تولید کالا ، کاهش می‌یابد . در این قبیل شهرها ، به موازات سرمایه‌گذاری‌های کلان در امر لذت‌جویی ، خدمات تازه و مشاغل تازه نیز ایجاد می‌شود .

استرس، فشارهای روانی - عصبی، نیز عاملی است که جامعه شهری آمریکا را به شدت تهدید می‌کند . در این زمینه به‌نوشته تحقیقی مجله تایم ، پرتیراثرترین

مجله هفتگی آمریکا توجه فرماید: «در ۲ آمریکا یبانی که به پزشک خانوادگی خود مراجعه می کنند علایم استرس دیده می شود و شرکت ها و کارخانه ها، اعلام می دارند که غیبت های سالانه ناشی از فشارهای روانی - عصبی آنچنان زیاد است که سالانه از میلیاردها دلار تجاوز می کنند». مجله تایم اضافه می کند که در جامعه امروزی آمریکا، سه داری پر فروش یعنی تاگامت^{۱۵}، اندرال^{۱۶} و والیوم^{۱۷}، همگی با استرس در رابطه اند. استرس در جامعه آمریکا، ناشی از اضطراب، تشویش و نگرانی از تهاجم، عدم اطمینان به آینده و شیوه خاص زندگی است^{۱۸}.

در جامعه شهری دنیا، نواحی ویژه ای وارد دوره هدناپلیس (عشرت آباد) می شود که مگالاپلیس شمال شرق آمریکا، جنوب شرق کانادا، بخش جنوبی کالیفرنیا، حوزه لندن - لیورپول، حوزه پاریس - بن از آن جمله است. مورفولوژی هدناپلیس، بنا به نظر جان سامر، از مناطق کاملاً مشخصی به شرح زیر تشکیل می شود:

۱- مرکز اصلی شهر: دو سه دهه است که صنایع و گروه های پردرآمد و گروه های میانی بخش مرکزی شهرها را ترک می کنند. غالب این مردم، از آپارتمان های پزتر اکم به واحدهای مسکونی مستقل پناه می برند. حومه های پزوسعت خوابگاهی و مراکز بزرگ خرید در بیرون از شهرها تشکیل می شود. به موازات خالی شدن مرکز اصلی شهر از گروه های پردرآمد و میانی، گروه های کم درآمد وارد این بخش می شوند و در آپارتمان های کهنه و فرسوده اقامت می کنند. سابقاً واحدهای مسکونی پر اعتبار و فعالیت های پر رونق بازرگانی، امتیاز خاصی به بخش مرکزی شهرها می بخشید. اما امروزه، در جوامع غربی، بخشی از مراکز اصلی شهر در اختیار خانه های مخروبه، تئاترهای ویژه، مشروب فروشی ها و عشرتکده ها قرار گرفته است.

در دوره هدناپلیس، به شاغلین در صنعت تفریحات و وقت گذارنی ها حداکثر حقوق پرداخت می شود. آپارتمان ها و بلوک های ساختمانی که به ارضای نفس و

خوشگذرانی اختصاص می‌یابند. با گذاردهای مخصوص محافظت می‌شوند. در حقیقت، مرکز شهرهای هدناپلیس، به صورت شهری در داخل شهر دیگر به ایفای نقش می‌پردازند و دارای مرزهای کاملاً مشخصی می‌باشند.

در مرکز اصلی شهرها، بخشی نیز به تجارت و خرده‌فروشی می‌پردازد و در ارتباطات تجاری، تلفون و ویدیوی دو جانبه، به‌طور گسترده در شهرهای آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اغلب شاغلین در همان محل سکونت، به کار گرفته می‌شوند. کارکنان ترمینال‌های تله‌تایپ می‌توانند در خانه‌های خویش انجام وظیفه کنند. در این صورت، از وسایل حمل و نقل استفاده کمتری می‌شود. توزیع کالا در خانه‌ها و از طریق تلویزیون انجام می‌گیرد و بسیاری از هزینه‌های رفت و آمد، پس‌انداز می‌شود.

بخش بزرگی از مرکز شهرهای آمریکایی به تئاترها، مغازه‌های کادویی، رستوران‌های هوس‌آلود و عشرت‌تکده‌ها اختصاص می‌یابد. در اینجا، باارزان‌ترین و جهی، ارضای نفس عملی می‌شود که امکان آن در سایر نقاط شهری مقدور نیست. بوی غلیظ دلار، همه جای عشرت‌آباد را می‌پوشاند. با کار شبانه که تا صبح ادامه می‌یابد، شهرها اغلب دو نوبتی کار خواهند کرد. با وجود این، در بخش مرکزی شهرها، پاره‌ای از دادگاه‌ها، موزه‌ها، سازمان‌های مالی و شرکت‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

۲- منطقه مسکونی: در دو دهه آینده، منطقه مسکونی یا حلقه مسکونی با تراکم شدید جمعیت، اطراف بخش مرکزی شهرها را می‌پوشاند. در این منطقه، واحدهای مسکونی و ادارات بسیار فعال می‌نمایند و مدیریت‌های سطح متوسط در ادارات کار می‌کنند. اما مدیریت‌های سطح بالا، از مرکز شهر و منطقه مسکونی به نقاط کم تراکم شهر انتقال می‌یابند.

سال‌هاست که پارک‌های صنعتی، بانقشه و برنامه‌ریزی کاملاً علمی، منطقه‌بندی شده‌اند، این پارک‌ها، هم در داخل شهرها، اطراف مرکز اصلی شهر، قرار دارند

و هم در طول شاهراه‌ها و مسیرهای اصلی حمل و نقل که کالاسا، مواد سنگین و تولیدات کارخانه‌ای را عبور می‌دهند ایجاد شده‌اند. پارک‌های صنعتی، دارای واحدها و بخش‌های مختلف صنعتی است که در کل به صورت مجموعه واحدی عمل می‌کنند^{۱۹}. در شهرهای آینده آمریکایی و اروپایی، پارک‌های صنعتی جای خود را به پارک‌های خدماتی می‌دهند.

در جامعه شهری آمریکا، گریز به دنیای رویاها و سفر به انتهای وجود، به صورت مرض مزمن درمی‌آید. مردم به صورت تماشاچی زندگی درمی‌آیند و بیش از پیش به دنیای خیالی خود پناه می‌برند. تنها زمانی بیدار می‌شوند که تلویزیون در ساعات آخر شب، اخبار واقعی را به دنیای واقعی آنها می‌رساند.

گریز به دنیای رویاها، چند سالی است که به تدریج بر جامعه آمریکا مسلط می‌شود. شاید، نشانه‌های روشن آن، تهیه فیلم‌های جنگ ستارگان باشد که مردم آمریکا، به شدت از آنها استقبال می‌کند. سرمایه‌گذاری در این قبیل فیلم‌های سینمایی گاهی از مرز ۴۰ میلیون دلار هم تجاوز می‌کند. آیا در سال‌های آینده، تنهایی شدید آمریکا وارد ادبیات جهان می‌شود؟

۳- مناطق بین شهری: در بیرون از منطقه مسکونی، به فضاهای باز و پارک‌ها برخورد می‌کنیم که مردم شهرهای رفاه زده و همدنابلیس، تعطیلات آخر هفته خود را در آنها می‌گذرانند. این مناطق بین شهری، تاحدودی آرام و سالم می‌ماند و از هوای پاک استفاده می‌کند. از اینرو، مناطق بین شهری شهرهای آمریکایی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای مردم برای استراحت و گذران اوقات فراغت، به تدریج به تجهیزات و تأسیسات لازم و کافی دست می‌یابند و در آنها، هتل‌ها، بانسیون‌ها و خانه‌های تعطیلاتی تازه‌ای ایجاد می‌شود.

شهر بزرگ نیویورک که به عنوان مرکز عمده فعالیت‌های اقتصادی در دنیای امروز شهرت دارد و هسته اصلی مگالاپلیس شمال شرق آمریکا محسوب می‌شود خاستگاه همدنابلیس، عشرت آباد، خواهد بود. جناح‌های نیویورک را سایر مراکز

حیاتی آمریکا نظیر بستن ، فیلادلفیا و واشنگتن تشکیل خواهند داد . نیویورک هم اکنون نیز ، بزرگترین مرکز تفریحی و گذران اوقات فراغت می باشد، تا آنجا که بخش تئاترهای برودوی^{۲۰} ، به عنوان مشهورترین خیابان گذران اوقات فراغت در دنیا شناخته می شود. به سخن ساده ، نیویورک هم اکنون نیز در نقش مراکز مهم ارضای نفس نه تنها در آمریکا ، بل در سراسر جهان ظاهر می شود^{۲۱}.

موضوع مهم دیگر که ممکن است شکل پذیری شهرها و حومه های آمریکایی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد جابه جایی محل اقامت مردم آمریکاست. برای این - بری^{۲۲}، مدیر گروه جغرافیای دانشگاه شیکاگو و هاروارد، در نوشته تحقیقی خویش، در زمینه خصیصه های زندگی آمریکایی ، به نقل از پتر مورین^{۲۳} چنین می نویسد: «مشخصات زندگی آمریکایی، به صورت قطعه منظوم مسافرت های پرحادثه اودیسه در اشعار هومر ، شاعر یونانی می ماند : ازدواج ، تربیت کودک ، خدمت ارتشی، تحصیلات عالی، عوض کردن کارفرما، انتقال از يك کارخانه یا اداره محلی به کارخانه دیگر ، گاهی باهمان کارفرما، جدایی از همسر و بازنشستگی . همه اینها تغییر محل مسکونی و واحد مسکونی را به دنبال دارد . بی جهت نیست که سالانه در حدود ۴۰ میلیون آمریکایی ، محل اقامت خود را تغییر می دهند . این تغییر محل اقامت در زندگی هر آمریکایی به طور متوسط به ۱۴ بار می رسد»^{۲۴}.

در پایان بحث، ذکر این نکته را لازم می دانیم که اصولاً جامعه آمریکا، يك جامعه رفاه زده و در عین حال يك جامعه فراوانی نیز به شمار می آید .

۳- مفاهیم فاصله و شهرهای آینده

درسال های اخیر، جغرافی دانان، مفاهیم فاصله را در تصمیم گیری های مردم، عامل اصلی در فضای زندگی می دانند تا آنجا که برخی از جغرافی دانان ، از جغرافیا به نام «علم فاصله» نام می برند^{۱۵} . در شهرهای امروزی ، مراد ما از عامل فاصله ، بیشتر فاصله زمانی است تا فاصله فیزیکی . یعنی مدت زمان رسیدن به محل کار ،

به بخش مرکزی شهر، مراکز خرید و نظایر آن. زیرا در شهرهای امروزی، با استفاده از انواع وسایل حمل و نقل، با سرعت‌های مختلف، که در آمد و شدهای روزانه به کار گرفته می‌شود فاصله فیزیکی، اعتبار گذشته خود را از دست داده است. از اینرو، امروز، عامل فاصله با زمان، پول و کیلومتر هر سه سنجیده می‌شود. چنان که در شهرهای آمریکایی، روزانه در حدود ۹۰ میلیون نفر با اتومبیل، هلی کوپتر، هواپیما و دوچرخه به سرکار خود می‌روند و از آن میان، سهم اتومبیل بیشتر می‌باشد. هم‌اکنون در پاره‌ای از حوزه‌های شهری پرجمعیت، بویژه در آمریکا، به سبب فاصله‌گیری بسیار زیاد محل کار و محل زندگی، عده‌ای از زن و شوهرها، تنها می‌توانند در اواخر هفته یکدیگر را ببینند. بی‌جهت نیست که در زمان ما، امراض ناشی از آمد و شدهای طولانی به صورت خستگی مفرط، افسردگی، فشارخون، استرس و بیماری‌های قلبی در بسیاری از مردم شهرهای پرجمعیت دیده می‌شود. امروزه، انتخاب محل کار و محل زندگی، در شهرهای بزرگ، بیش از هر زمان دیگر، به میزان وقت و پول صرف شده بستگی پیدا کرده است. در چند سال آینده، توسعه تکنولوژی ارتباط از راه دور، می‌تواند در زندگی شهری تسأثیر عمده‌ای به شرح زیر داشته باشد:

توسعه ارتباط از راه دور، فضای زندگی را وسعت می‌بخشد. آگاهی مردم از استان، کشور و دنیا فزونی می‌گیرد و مفهوم «اجتماع» تغییر می‌یابد. در سابق مفهوم اجتماع به مردمی گفته می‌شد که در مجاورت هم زندگی می‌کردند و شیوه زندگی مشترکی هم داشتند. اما امروزه، نه تنها به محل زندگی اطلاق می‌گردد بلکه به توده‌های انبوه مردمی نیز گفته می‌شود که علاوه از محل اقامت (محله-شهر)، در معتقدات، هدف‌ها، فعالیت‌ها، نگرش‌ها و وقت‌گذرانی‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. به سخن دیگر، امروزه، اجتماع، دیگر محله مجاور نیست بلکه توده‌های انبوه انسانی است که از هدف‌ها و معتقدات

مشترک بهره‌مندند اما دروسعت بسیار گسترده‌ای پراکنده شده‌اند. پس شهرها دیگر تنها در حیطه جمعیتی نیستند که در داخل یک واحد سیاسی یا اداری تعیین شده زندگی می‌کنند بلکه حوزه‌های شهری، مادر شهرها، شهرها، شهرک‌ها، روستاها، همه باهم به صورت بافت زنجیری در یک مجموعه بزرگ شهری، از جماعات کثیر انسانی، از طریق تلویزیون، رادیو و روزنامه، در جریان حوادث مهم سیاسی، فیلم‌های سینمایی، مسابقات ورزشی، گشایش کتابخانه‌های تازه و انتشار کتاب‌های تازه قرار می‌گیرند و یا روزانه، عده‌ای از فاصله‌های ۱۵۰-۱۰۰ کیلومتری جهت کار روزانه وارد مادر شهرها می‌شوند. هرچند که این عده در داخل مرزهای شهری اقامت ندارند اما در همه امور شهری مثل پرداخت مالیات، عوارض، پاکیزگی یا آلودگی شهری، تراکم شدید، اشتراک در رویدادهای شهری و کشوری با مردم شهر سهیم‌اند.^{۲۶}

چنین می‌نماید که در سال‌های آینده، عامل محله مثل ۳۰ سال گذشته، دیگر عامل تعیین‌کننده در سلامت و امنیت شهری نخواهد بود بلکه سراسر مادر شهرها و حتی فراتر از مرزهای مادر شهرها، اجتماع متشکلی خواهد بود که همه ما بدان تعلق داریم. به‌دیگر سخن، در سال‌های آینده، پایگاه محله‌ای به شدت تضعیف می‌شود و به موازات آن، پایگاه اجتماعی بزرگتر تقویت می‌گردد.

۴- شهرهای جامعه انبوه آگاهی

ساخت اجتماعی جوامع ماقبل صنعتی، اشتغال بیش از ۰/۹۰ نیروی انسانی در بخش کشاورزی بود. بخش ناچیزی از مردم در صنایع دستی و صنایع تولیدی فعالیت می‌کردند و کمتر از ۰/۰۱ نیروی انسانی در شاخه‌های مختلف فرهنگی به خدمت گرفته شده بودند. ماشینی شدن صنعت و کشاورزی، این ساخت اجتماعی را دگرگون ساخت. در برخی از کشورها، اشتغال ۰/۹۰ مردم در کشاورزی

به ۰/۳ - ۰/۴ کاهش یافت و سهم اشتغال در صنایع به ۲۰ تا ۰/۲۵ رسید. بقیه نیروی انسانی در بخش خدمات، فرهنگ، تعلیم و تربیت، علوم، هنر و مدیریت جذب شدند.

بعد از دوره ماشینی شدن، جهان توسعه یافته، وارد عصر اتوماسیون شد که نیروی کار را از شرکت مستقیم در مراحل تولید آزاد می‌ساخت و به انسان تنها نقش کنترل کننده می‌بخشید. پاره‌ای بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه، $\frac{1}{5}$ نیروی کار موجود در برخی از کشورهای توسعه یافته، قادرند نیازهای همه جامعه خود را تأمین کنند و این سؤال را پیش می‌آورد که در صورت عملی شدن این مسیر، $\frac{4}{5}$ نیروی کار چه خواهند کرد؟ اگر در عصر اتوماسیون و کامپیوتر همه کارخانه‌ها و ادارات به وسیله مغزهای الکترونیکی کنترل شوند در صورت تحقق این امر، ۰/۹۵ نیروی انسانی ممکن است هرگز در نیروی کار جذب نشوند. آیا در شهرهای آینده ممالک توسعه یافته، انسان به مثابه موجود زائد، اضافی و غیر لازم در می‌آید؟

در جوامع پیشرفته، هم‌اکنون روی ۲۵ ساعت کار در هفته، بررسی‌هایی صورت می‌گیرد و این بدان معنی است که کار روزانه به ۴ تا ۵ ساعت تقلیل می‌یابد. اصولاً در جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که کار آیی انسان، در سه چهار ساعت اول شروع به کار، بسیار زیاد است. از اینرو در صورت عملی شدن این برنامه، در سال‌های آینده، مردم شهری وقت آزاد بیشتری خواهند داشت و هزینه‌های زیادی را جهت گذران اوقات فراغت خرج خواهند کرد.

در نیمه دوم قرن بیستم، توسعه تکنولوژیک همه‌جاگیر شد و این توسعه، ابتدا، شهرها را دربر گرفت. چهره اصلی توسعه تکنولوژیک عبارت بود از:

- ۱- در پارهای از کشورها، درآمد سرانه مردم به سرعت افزایش یافت.
- ۲- انقلاب در حمل و نقل سبب شد تا فاصله بین شهری که سابقاً در ۳۶۰ ساعت طی می‌شد، با خطوط آهن سریع‌السیر در ۲۰ ساعت پیموده شود و اخیراً

این مدت، با قطارهای سریع‌السیر ژاپنی به سه ساعت و ده دقیقه کاهش یافته است - یعنی $\frac{1}{12}$ وقتی که سابقاً صرف آن می‌شد.

۳- انقلاب اطلاعاتی، با گسترش همه‌جانبه تلفن، رادیو و تلویزیون عملی گردید، تا آنجا که هم‌اکنون، در کشور ژاپن، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در خانه خویش، از همه اخبار مهم دنیا در همان لحظه وقوع باخبر می‌شوند.

بدین‌سان جهان ما و کشورها به‌صورت باورنکردنی و افسانه‌ای کوچک شده است، چرا که انقلاب حمل و نقل، فضای فیزیکی جهان ما را تحت تسلط خود گرفته و آزادی انسان را به مسافرت، در همه ساعات شبانه روز، به چهار گوشه دنیا عملی ساخته است. در جوامعی که درآمد سرانه زیاد است عامل فاصله، از نظر هزینه و اقتصاد معیار قرار نمی‌گیرد بلکه سنجش فاصله با وقت و زمان صرف شده تعیین می‌گردد. روشن است زمانی که فاصله میان پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ جهان کاهش یابد مبادله اطلاعات افزایش سریعی پیدا می‌کند.

منظور از جامعه انبوه آگاهی، که در اینجا به عنوان مرحله علم‌رسانی و اطلاع‌رسانی تعبیر کرده‌ایم جامعه‌ای است که در آن کامپیوتر، تلویزیون، تلفن، روزنامه، مجله، سایر عوامل خبررسانی نقش اساسی دارند و همه فعالیت‌های جامعه به نحوی تحت تأثیر این عوامل قرار می‌گیرند. در اغلب موارد، رابطه‌ای میان درجه شهرنشینی و افزایش درآمد دیده می‌شود و در همان حال، ارتباط نزدیک میان درجه شهرنشینی و جامعه انبوه آگاهی و وابستگی میان سطح درآمد و جامعه انبوه آگاهی کاملاً روشن است. از طرفی، در مناطقی که سطح درآمد پایین است میزان آگاهی و اطلاع‌رسانی نیز به سرعت سقوط می‌کند. برعکس، زمانی که درآمد شهری به دو برابر افزایش می‌یابد بر سطح اطلاعات و آگاهی‌ها، چندین برابر اضافه می‌شود.

به موازات افزایش درآمد در شهرها، مردم به شهرها مهاجرت می‌کنند.

زمانی که درجه شهرنشینی و توسعه شهری افزایش می‌یابد تراکم زیاد جمعیت به همراه تراکم فعالیت‌های گوناگون اقتصادی ظاهر می‌شود و بالطبع، سطح اطلاعاتی جامعه نیز بالا می‌رود. بررسی‌های انجام شده در شهر توکیو (ژاپن) نشان می‌دهد که سطح درآمد این شهر، تقریباً ۲/۹ برابر شهر کاگوشیماست، اما تراکم اطلاعات ۸۰ برابر شهر کاگوشیما می‌باشد. در شهرها، جامعه، دولت، قانون، ادارات و همه حوزه‌های فعالیتی انسان در ارتباط باهم عمل می‌کنند. زمانی که اطلاعات به جامعه شهری جریان می‌یابد همه شاخه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه را می‌پوشاند و در نهایت، جریان اطلاعات گسترش پیدا می‌کند.

هم‌اکنون، کشور ژاپن، وارد عصر فراصنعتی می‌شود. این (ژاپن) جامعه‌ای است که در آن صنایع علمی، همه صنایع را کنترل می‌کنند. پس باید سیاست جدیدی برای توسعه ناحیه‌ای و شهری تهیه شود تا در آن، تولید، مبادله، خرید و فروش و مصرف اطلاعات اعتبار لازم را بیابند. در جهت خلق چنین سیاستی، اول باید درجه جاذبه شهرها را در اخذ اطلاعات و آگاهی‌ها بشناسیم و بدانیم که چه نوع اطلاعاتی به شهرهای اصلی وارد می‌شود.

در ژاپن که وارد عصر فراصنعتی شده است سه حوزه بزرگ مادر شهری، توکیو و اوزاکا و ناگويا، بیش از ۷۰٪ جریان اطلاعاتی ژاپن را به‌خود اختصاص داده‌اند. از سال ۱۹۶۰ به بعد، در شهر توکیو، در برابر هر ۱۰۰ کارگر یقه‌آبی اضافی، ۴۶۶ کارگر یقه‌سفید وجود داشته است. صنایع به‌بیرون از توکیو انتقال می‌یابد و جامعه فراصنعتی یا جامعه انبوه آگاهی، ابتدا، در شهرهای بزرگ تشکیل می‌شود. در یک جامعه فراصنعتی، انباشتگی و تراکم علم آگاهی و اطلاع‌رسانی، مطلقاً طبیعت شهرها را در آینده در اختیار خود می‌گیرد. البته، در ابتدا، بزرگترین حوزه‌های مادر شهری به داخل دوره انبوه آگاهی رانده می‌شود و سایر شهرها به تدریج از اثرات آن متأثر می‌شوند. در کشور ژاپن، از اواسط دهه ۱۹۶۰،

در برابر جریان انبوه آگاهی، شهرهای کوچک و شهرهای متوسط ژاپن، وارد دوره صنعتی می‌شوند و عقب‌ماندگی زمانی، میان سطوح مختلف شهری به سرعت کاهش می‌یابد.

برابر يك محاسبه، در ژاپن در سال ۱۹۸۵، میزان اطلاعات اخذ شده، ۵۲/۵ برابر اطلاعات سال ۱۹۶۵ خواهد بود. در دوره انبوه آگاهی، علم‌رسانی و اطلاع‌رسانی، میزان تیراژ و نوع کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها به شدت بالا می‌رود و تلویزیون اطلاعات رنگی تولید و پخش می‌کند. میزان رشد اطلاعات تلویزیونی فوق‌العاده زیاد است. در این جامعه انبوه آگاهی، اطلاعات کامپیوتری نقش اول را دارد. ژاپن پیشگام استفاده فوق‌العاده زیاد از کامپیوتر می‌باشد. در چنین جامعه‌ای، برنامه‌ریزی شهری و سیاست شهرنشینی، بیش از هر عامل دیگر، به جریان انبوه آگاهی وابسته خواهد بود.

گفتنی است که شهرهای ژاپن براساس «تولید برای صادرات» نقش یافته و شکل پذیرفته‌اند. از اینرو، به تولید برای صادرات بیش از مطلوبیت نیازهای زیربنایی شهری تأکید می‌شود. چنان‌که در شهر توکیو، قیمت زمین ده برابر نیویورک است. این بدان معنی است که خرید يك قطعه زمین کوچک شهری، برابر حد متوسط مزد دریافتی يك کارگر ساکن توکیو در مدت ۶/۵ سال می‌باشد. این نسبت در آمریکا به ۴۸ روز کار يك کارگر تقلیل می‌یابد^{۲۷}. در حوزه شهری توکیو-یوگوهاما، باغ‌های سنتی ژاپنی تنها در خاطرات زنده مانده است. نظام منطقه‌بندی به شدت تضعیف شده و فقدان کنترل ساختمان دريك جامعه ساختاری شگفت‌انگیز می‌یابد. در شهرهای ژاپن، کمبود خدمات عمومی نیز توجه بیشتری می‌طلبد. در داخل محدوده متروپلیتن توکیو (شهر قدیمی باحومه‌های نزدیک و با ۱۱/۵ میلیون جمعیت)، تقریباً نصف جمعیت (۰/۴۸٪ برابر آمار سال ۱۹۷۴) هنوز فاقد فاضلاب یا توالت‌های فشاری می‌باشند. در همان حال، ۰/۹۸ همه خانه‌های توکیو از

تلویزیون رنگی استفاده می‌کنند. آلودگی شدید هوا در توکیو - یوگوهاماسا، همه ساله گروه‌های زیادی را به مرگ می‌کشاند. توکیو دارای یکی از پاکیزه‌ترین و کارآمدترین سیستم مترواست، اما در ساعات تعطیلی ادارات و کارخانه‌ها و ساعت آمد و شد کارگران، جمعیت در ایستگاه‌ها آنچنان موج می‌زند که به استخدام ۷۰۰ فشاردهنده مجبور شده‌اند که شغل آنها، فشار دادن به مسافرین اضافی جهت سوار شدن به قطارهای پر جمعیت است. بی‌جهت نیست که پاره‌ای از این خطوط بسا ۰/۲۶۰ ظرفیت خود، مسافر حمل می‌کنند. بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌ها نیز از اتومبیل‌ها انباشته شده است و آلودگی صوتی، بر آلودگی محیط‌زیست می‌افزاید. توان گفت با همه پیشرفت‌هایی که کشور ژاپن بدان دست یافته است، این سیستم ارتباطی شهر توکیو، تنها برای نصف جمعیت فعلی شهر مناسب می‌باشد.^{۲۸}

در جریان جنگ دوم جهانی، در حدود ۰/۰۵۶ واحدهای مسکونی توکیو از میان رفت و شهر تقریباً با خاک یکسان شد. با پایان گرفتن جنگ، شهر با خیابان‌های وسیعتر، فضاهای باز بیشتر، پارک‌های بزرگتر و با آراستگی هرچه تمامتر تجدید ساختمان‌گشت و اکنون، تأکید کارخانه‌داران شهر به تولید بیشتر، تجارت بیشتر و صادرات بیشتر به خارج، این شهر زیبا را با مسایل و مشکلات فراوانی روبرو ساخته است.

۵- اکیومناپلیس^{۲۹}

سی. ا. د. کسیداس^۳، محقق برجسته، در مورد آینده شهرها و توسعه شهری چنین می‌گوید: در قرن ۲۱، الگوهای مختلف شهری و گونه‌های مختلف سکونتگاهی، از کوچکترین واحد (روستا) تا بزرگترین آن (شهرک‌ها، شهرها، مادر شهرها و مگالاپلیس‌ها)، در داخل یک سیستم جهانی در ارتباط باهم قرار می‌گیرند. د. کسیداس، این سیستم جهانی را اکیومناپلیس می‌نامد.

اکیومناپلیس ، سیستمی از سکونتگاه‌های انسانی است که سراسر جهان را احاطه می‌کند. بدین‌سان که امروزه ، یک روستا یا یک شهرک ، به حد کافی از شهرهای بزرگ دور افتاده‌اند اما در آینده، روستاها، شهرک‌ها و شهرهای بزرگ همه باهم، تشکیل یک سیستم جهان‌شهری پر وسعت و گسترده‌ای را می‌دهند که همانا اکیومناپلیس می‌باشد. در این سیستم جهان‌شهری، نظیر مگالاپلیس‌های امروزی، نواحی پرتراکم و کم تراکم بسیاری خواهیم داشت.^{۳۱}

حال این سؤال برای اغلب محققین مطرح است که در دوره اکیومناپلیس، نیازهای جدید ، علوم جدید و تکنولوژی جدید چه سان عمل خواهد کرد؟ آیا سیستم اکیومناپلیس ، سیاره زمین را مطلوبیت می‌بخشد و یا آن را به نابسامانی و آشفته‌گی می‌کشاند؟

منابع و یادداشت‌ها

1. Honorable Refael Salas; «Population and the Urban Future», Draper Fund Report, Washington, No 10, 1982, P. 2.
2. P. P. Shriv Astav ; « City for the Citizen or Citizen for the City ?» in Habitat International, Pergamon Press, Vol. 6, No 1/2, 1982, P. 197.
3. Alan Gilbert and Josef Gugler; «Cities, Poverty and Development» Oxford University Press, 1982, PP. 8 - 10.
4. Draper Fund Report, No 10, December 1981, P. 2.
5. Editor's Note, «Mexico: A Need for Combative Optimism» Draper Fund Report, No 10, December 1981, PP. 5 - 6.
6. R. P. Misra and Nguyen Tri Dung; «Large Cities: Growth Dynamics and Emerging Problems» in Habitat International, Pergamon Press, Vol 7, No 5/6, 1983, P. 51.
7. Judith Pallot
8. Denis J. B. Shaw
9. Judith Pallot and Denis J. B. Shaw; «Planning in the Soviet Union» Croom Helm, London, 1981, PP. 221 - 222.
10. Hedonopolis

۱۱- واژه‌ی «عشرت آباد» را در برابر «هدنوپولیس»، از دوست ارجمند آقای دکتر عباسعلی

رضائی، استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تبریز، گرفته‌ام.

12. United Nations, « Human Settlements : The Environmental Challenge» The Macmillan Press, 1974, PP. 36 - 37.

13. John W. Sommer; « Fat City and Hedonopolis: The American Urban Future?» in Human Geography in a Shrinking World, Duxbury Press, Massachusetts, 1975, P. 133.

۱۴- منبع پیش گفته ، ص ۱۳۵ .

15. tagamet

16. inderal

17. valium

18. Time, June 6, 1983.

19. Charles Abrams; «The Language of Cities» Equinox Books, New York, 1971, P. 151.

20. Broadway.

21. John W. Sommer; «Fat City and Hedonopolis: The American Urban Future?» Human Geography in a Shrinking World, Duxbury Press, 1975, P. 145.

22. Brian J. L. Berry

23. Peter Morrison

24. Brian J. L. Berry; «The Counterurbanization Process: Urban America Since 1970», Urbanization and Counterurbanization, Edited by Brian Berry, SAGE Publications, London, 1976, P. 26.

25. Maurice H. Yeats and Barry J. Garner; «The North American City» Harper - Row, New York, 1971, P. 11.

26. David A. Lanegran and Risa Palm; «An Invitation to Geography» McGraw - Hill, London, 1973, PP. 198 - 199.

27. J. John Palen; «The Urban World» McGraw - Hill, London, 1981, P. 418.

۲۸- منبع پیش گفته، ص ۴۱۹.

29. Ecumenopolis

30. C. A. Doxiadis

31. C. A. Doxiadis ; « Building Entopis » Athens Publishing Center, Athens, 1975, PP. 2 - 3.

